

الگوی سبک زندگی بر محور باورها و بینش‌های مهدوی*

محمود ملکی راد^۱

مرتضی عبدی چاری^۲

چکیده

سبک زندگی (Life style) شیوه زندگی یا سبک زیستن است که برخاسته از عقاید و ارزش‌های یک فرد یا جامعه است و مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر طرز زندگی کردن فرد یا گروهی را می‌سازند. سبک زندگی اسلامی از جمله واژگانی است که اولین بار توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی وارد ادبیات جامعه ما شد و به سرعت به موضوع مهم و کلیدی تبدیل گردید. مراد از آن هنجارهای رفتاری برآمده از بینش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نوع نگاه ما به جهان هستی، ارزش‌ها و گرایش‌های برگرفته از دین اسلام است و همه ابعاد زندگی را در بر می‌گیرد. از آن جایی که باور به مهدویت یکی از کلیدی‌ترین آموزه‌های اسلامی است و همه ظرفیت‌های اسلام به صورت کامل در آن ظهور و بروز دارد؛ می‌تواند در مبانی اعتقادی و باوری سبک زندگی اسلامی، تأثیرگذار باشد و در ارائه الگو برای سبک زندگی اسلامی، سهم و نقش داشته باشد. برخی از مهم‌ترین این امتیازات عبارتند از: الف) مهدویت و باور به هدفمندی تاریخ و الگوی سبک زندگی براساس آن؛ ب) مهدویت و باور به آینده روشن و الگوی سبک زندگی براساس آن؛ ج) مهدویت و التزام بینشی نسبت به امامت و الگوی سبک زندگی براساس آن؛ د) مهدویت و باور به رهبری نواب عام در عصر غیبت و الگوی سبک زندگی براساس آن؛ ه) مهدویت و تحکیم باور به امامت و الگوی سبک زندگی مصون از انحراف. در نوشته پیش‌رو با این نگاه، از باورها و بینش‌های برآمده از اعتقاد به مهدویت که در ارائه الگو برای سبک زندگی اسلامی مؤثرند گفت‌وگو شده است. از نوآوری‌های این تحقیق، تبیین الگویی نقش باورهای مهدوی در ارائه مدل و الگو برای سبک زندگی اسلامی است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۸

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) (m.malekirad44@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (m.abdichari@isca.ac.ir).

مقدمه

دین ریشه در فطرت انسان دارد و از عمق جان آدمی برمی‌خیزد و نقش مهمی در ارائه سبک زندگی می‌تواند داشته باشد و یکی از ارکان مهم آن به شمار می‌رود؛ و همچون نیروی محرکی است که در بینش و رفتار انسان تأثیرگذار است و موجب بروز هنجارها و رفتارهای متناسب با باورها و بینش‌های برآمده از آن می‌شود؛ و از این راه می‌تواند درصدد تحکیم و تقویت بنیان‌های سبک زندگی آید و به آن کمک کند. بنابراین بین دین و سبک زندگی رابطه عمیق و فعالی وجود دارد و شاید بتوان گفت هیچ سبک زندگی بدون نقش دین نخواهد توانست شکل بگیرد و قوام پیدا کند.

مهدویت یکی از آموزه‌های مهم دین اسلام است که از ظرفیت‌های مطلوبی در زمینه‌های گوناگون اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌باشد. کارکردهای این اندیشه هم ناظر به زندگی حال و هم اکنون است و هم ناظر به آینده می‌باشد؛ و باعث می‌شود تا آرمان‌گرایی و نشاط و پویایی و وظیفه‌شناسی و روح امید در افراد زنده شود و جامعه را در این زمینه به کوشش و تلاش مضاعف وادارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت مهدویت عبارت است از:

بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، و تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری کرداری مرتبط با آن... (عظیمی، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

اندیشه مهدویت از این جهت می‌تواند در تحقق و شکل‌گیری فرهنگ نقش داشته باشد زیرا علاوه بر ارزش‌ها و رفتارها یکی از لایه‌های اصلی فرهنگ یعنی باور و بینش را در بر دارد؛ و در نتیجه در ارائه الگو برای سبک زندگی اسلامی و شکل‌گیری آن مؤثر است. بنابراین می‌توان گفت: سبک زندگی مهدوی منبعث از بینش‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت است. تحقیق و پژوهش پیرامون این موضوع می‌تواند یکی از ابعاد ناپیدای اندیشه مهدویت را مبرهن کند و ظرفیت این اندیشه در این حوزه را بیان نماید. لازم به یادسپاری است که تاکنون درباره این موضوع، کار پژوهشی صورت نگرفته است. بدین جهت در نوشته پیش‌رو درباره نقش مهدویت در ارائه الگوی سبک زندگی بر محور باورها و بینش‌های منبعث از آن، در قالب چند گفتار دنبال خواهد شد.

گفتار اول: مهدویت و باور به هدفمندی تاریخ و الگوی سبک زندگی براساس آن

یکی از عناصر مهم در تنظیم، تعالی و تحکیم سبک زندگی، تلقی درست از تاریخ و هدفمند دانستن آن است. در پرتو چنین تلقی، می‌توان برای زندگی برنامه داشت و برای آینده برنامه‌ریزی نمود. باور به مهدویت از آن حیث که بخش قابل توجهی از برنامه‌هایش معطوف به آینده است می‌تواند با ایجاد تلقی درست از حرکت تاریخ و هدفمند دانستن آن، در شکل‌دهی الگوی سبک زندگی منطبق با تلقی درست از تاریخ، موفق عمل کند. زیرا براساس «معناداری و هدفمندی تاریخ» روند طولانی مدت تاریخ، دارای هدف، غایت و معنای مشخصی است و آن تحقق جامعه موعود الهی و رسیدن بشر به اوج سعادت و کمال مادی و معنوی است. در حقیقت ظهور «منجی موعود»، سرمنزل متعالی و متکامل تاریخ بشری است. این برداشت از تاریخ، فکر و ذهن بشر را به خود معطوف می‌کند و او را متوجه فرجام متعالی تاریخ می‌سازد و او برای رسیدن به آن آماده خواهد نمود و در این راستا مدل سبک زندگی امیدوارانه و آماده‌سازی برای ظهور را برایش فراهم خواهد آورد. چون «مهدویت فصل مهمی از خواسته‌های بشری است که انسان‌ها با داشتن ادیان و مذاهب مختلف، رو سوی آن دارند. مهدویت تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریچه آن، علیرغم دیدگاه‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را می‌بینند، روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد و راه ناهمواری که در طول تاریخ برای انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود» (صدر، ۱۴۱۷: ۵۴).

شهید مطهری رحمته‌الله درباره هدفمندی تاریخ با تأسی از اندیشه مهدویت و تأثیر آن بر سبک زندگی می‌نویسد:

تاریخ مانند خود طبیعت به حکم سرشت خود متحول و متکامل است. حرکت به سوی کمال، لازمه ذات اجزای طبیعت و از آن جمله تاریخ است. تحول و تکامل تاریخ تنها جنبه فنی و تکنیکی ابزاری و آن چه بدان «تمدن» نام می‌دهند، ندارد. بلکه گسترده و همه‌جانبه است؛ همه شئون معنوی و فرهنگی انسان را دربر می‌گیرد و در جهت آزادی انسان از وابستگی‌های محیطی و اجتماعی است. انسان در اثر همه‌جانبه بودن تکاملش، تدریجاً از وابستگی‌اش به محیط طبیعی و اجتماعی کاسته و به نوعی وارستگی که مساوی است با وابستگی به عقیده و ایمان و ایدئولوژی، افزوده است؛ و در آینده به آزادی کامل معنوی یعنی وابستگی کامل به

عقیده و ایمان و مسلک و ایدئولوژی خواهد رسید. انسان تدریجاً از لحاظ ارزش‌های انسانی به مراحل کمال خود یعنی به مرحله انسان ایده‌آل و جامعه ایده‌آل نزدیک‌تر می‌شود تا آن‌جا که در نهایت امر حکومت عدالت یعنی حکومت کامل ارزش‌های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به «حکومت مهدی» تعبیر شده است، مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان‌مآبانه و خودگرایانه اثری نخواهد بود. آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از این‌که الهام‌بخش ایده و راهگشا به سوی آینده است، آئینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان‌های اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان‌بینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی یا انسانی طبیعی است (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ۴۲۷-۴۳۶).

همو می‌گوید:

اعتقاد به مهدویت - یک فلسفه بزرگ جهانی است، چون اسلام یک دین جهانی است، چون تشیع به معنی واقعی‌اش یک امر جهانی است. این را ما باید به صورت یک فلسفه بزرگ جهانی تلقی کنیم. وقتی قرآن می‌گوید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵). بر طبق این آیه صحبت از زمین است، نه صحبت از این منطقه و آن منطقه و این قوم و آن نژاد. اولاً امیدواری به آینده است که دنیا در آینده نابود نمی‌شود... امروز این فکر در دنیای اروپا پیدا شده که بشر در تمدن خودش به مرحله‌ای رسیده که با گوری که خودش به دست خودش کنده است یک گام بیشتر فاصله ندارد. طبق اصول ظاهری نیز همین‌طور است ولی اصول دین و مذهب به ما می‌گوید: زندگی سعادت‌مندانه بشر آن است که در آینده است، این‌که اکنون هست موقت است... دوره‌ای که واقعاً در آن دوره معرفت و عدالت و صلح و انسانیت و معنویت حکومت کند. چگونه می‌شود که چنین دوره‌ای نیاید؟! مگر می‌شود که خداوند این عالم را خلق کرده باشد و بشر را به عنوان اشرف مخلوقات آفریده باشد، بعد بشر به دوره بلوغ خودش نرسیده یک مرتبه تمام بشر را زیرورو کند؟! پس مهدویت یک فلسفه بسیار بزرگ است (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۱۸۱-۱۸۲).

بنابراین براساس باور به مهدویت، تاریخ هدفمند می‌شود. این قانون موجب خواهد شد جامعه در جا نزنند و به وضع موجود خود قانع نشود. در نتیجه مردم را به تلاش و

کوشش بیشتر و خواهد داشت و جامعه را در ابعاد مختلف به سوی تکامل به پیش خواهد برد؛ و سبک زندگی مطابق با آن را برای بشریت رقم می‌زند. در الگوی سبک زندگی منطبق با هدفمندی تاریخ که منبعث از باور به مهدویت است؛ آینده روشن برای بشریت ترسیم می‌شود و از این رهگذار امیدواری به آینده از ارکان مدل سبک زندگی مهدوی خواهد بود. ترسیم چنین مدلی موجب می‌شود تا مردم برای رسیدن به آینده روشن تلاش بیشتری داشته باشند و زمینه‌های تحقق ظهور را فراهم آورند. در نتیجه این باور موجب می‌شود تا با نگاه به آینده، سبک زندگی مطابق با آن پی‌ریزی شود.

گفتار دوم: مهدویت و باور به آینده روشن و الگوی سبک زندگی براساس آن

توجه به آینده ریشه در ذات و سرشت انسان دارد. در دین اسلام به این خواست در قالب اندیشه مهدویت پاسخ داده شده است. براساس آن در آینده امام مهدی علیه السلام با ظهور خویش سعادت و خوشبختی را برای انسانیت فراهم خواهد آورد. در حقیقت باور به مهدویت تبلور یک الهام فطری است که مردم از دریچه آن، علیرغم دیدگاه‌های مختلف و نگرش‌های متفاوت عقیدتی، روز موعود را می‌بینند، روزی که رسالت‌های آسمانی با همه اهدافش در زمین تحقق می‌یابد و راه ناهمواری که در طول تاریخ برای انسان دشوار بود، پس از رنج بسیار هموار می‌شود. بنابراین ایمان به آینده در بطن باور به مهدویت نهفته است و «این ایمان نه تنها مایه تسلی و آرامش خاطر است؛ بلکه منشأ امید و منشأ مقاومت نیز هست» (صدر، ۱۴۱۷: ۵۴).

علامه طباطبایی رحمته الله درباره ضرورت باور به منجی با نگاه به آینده و نقش آن در زندگی می‌نویسد:

... هر جامعه‌ای از جوامع بزرگ و کوچک انسانی، آرزویی جزاین ندارد که در حال آرامش و صفا و برطرف شدن موانع، زندگی کند و بهره انسانی را از زندگی خود بردارد. روشن است که جامعه بشری تاکنون نتوانسته به این آرزوی خود جامه عمل بپوشاند، بالاخره روزی فرا می‌رسد تا جامعه بشری به آرزوی خود برسد. این نظر عقلی به ما نوید قطعی می‌دهد که عالم بشریت يك روز ایده‌آلی در پیش دارد که سر تا پا سعادت، خوشبختی و کامیابی خواهد بود و همه خواسته‌های فطری انسانی که در نهاد انسان قرار داده شده، برآورده خواهد شد. نتیجه آن این است که در سیر همین زندگی اجتماعی انسانی خودمان، روزی فرا خواهد رسید که سعادت کامل

اجتماعی انسان را صد درصد تضمین کند و در آن روز، عموم افراد در سایه واقع‌بینی و حق‌پرستی، خوشبختی واقعی خود را به دست خواهند آورد و در مهد امن و امان مطلق و بی‌مذاحمت هرگونه ناملازمات فکری، به سر خواهند برد. قرآن کریم نیز همین نظر عقلی را تأیید نموده و در چندین جا مژده چنین روزی را به اهل حق و حقیقت داده است؛ می‌گوید: چنان که به انبیای گذشته خبر دادیم، سرانجام دنیا به کام اهل تقوا خواهد بود، روزی خواهد رسید که معبود دیگری جز خدای یگانه در محیط بشریت خودنمایی نکند، و جز دین و آئین حق در عالم انسانی حکومت ننماید، و نشانی از رذایل اجتماعی نماند... (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۷۲-۷۳).

وجود میل و گرایش در انسان به کمال و رسیدن به آینده‌ای درخشان، بیانگر آن است که این میل را خداوند از روی حکمت و مصلحت در او قرار داده و هرگز عبث و لغو نیست. از طرفی بر اثر مزاحمت ظالمین و طواغیت تا امروز بشر نتوانسته به کمال لایق خود برسد. پس در آینده روزی فرا خواهد رسید تا به این خواست پاسخ مثبت داده شود. بنابراین دلیل فطری ما را به ضرورت آمدن نجات‌بخش و رسیدن جامعه انسانی به عدالت و سعادت و کمال مطلوب خود در آخرالزمان نوید می‌دهد. در اندیشه اسلامی از چنین روزی به عصر ظهور امام مهدی علیه السلام یاد شده است. بنابراین امید به آینده درخشان و تصویر روشن از آینده جهان یکی از باورهای مهم مبتنی بر اعتقاد به مهدویت است. با عنایت به این مطلب، برنامه‌ریزی برای آینده و پردازش آینده روشن، یکی دیگر از عناصری است که در تنظیم، تعالی و تحکیم سبک زندگی مؤثر است. زیرا در پرتو آن، می‌توان برای زندگی چشم‌انداز و اهداف مشخصی را ترسیم نمود. زیرا با ایجاد تلقی درست از آینده، برنامه‌ریزی برای آن شکل می‌گیرد و در نتیجه الگوی سبک زندگی منطبق با آن به وجود می‌آید. این برداشت از مهدویت، مردم را متوجه فرجام متعالی تاریخ می‌سازد و آنها را برای رسیدن به آن آماده می‌کند و در این راستا مدل سبک زندگی امیدوارانه و آماده‌سازی برای ظهور را برایش فراهم می‌آورد. این باور دارای آثار مختلفی است که می‌تواند در ارائه الگوی سبک زندگی مؤثر باشد. مانند:

۱. ارائه الگوی سبک زندگی بر محور حق‌خواهی

یکی از آثار امید به آینده روشن، تقویت و تثبیت فرهنگ حق‌خواهی است؛ زیرا «ظهور مهدی موعود علیه السلام حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی

نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهمیم بودن يك فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است نشان می‌دهد که مهدی موعود علیه السلام مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است... از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود علیه السلام آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود علیه السلام تحقق بخش ایده آل همه انبیاء و اولیاء و مردان مبارز راه حق است» (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ۴۳۷-۴۳۸). بنابراین با تأسی از این مؤلفه می‌توان مدل و الگوی سبک زندگی بر محور حق خواهی را برای جامعه منتظر پیشنهاد نمود.

۲. ارائه الگوی سبک زندگی بر محور امید

امید و آرزوی یکی از ویژگی‌های فطری انسان‌ها است که بر پایه آینده‌نگری استوار است. اعتقاد به مهدویت و یقین به ظهور امام مهدی علیه السلام موجب می‌شود تا بشریت به آینده امیدوار شود و از طریق آن به آرزوهای خویش دست یابد. بر طبق این باور «... آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بُن برکنده خواهد شد، در انتظار بشریت است. این نظریه الهامی است که دین می‌کند؛ نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی موعود علیه السلام در اسلام در زمینه این الهام است» (همان: ج ۲۴، ۴۳۵). بنابراین زنده شدن روح امید در مردم در سایه اعتقاد به مهدویت، موجب می‌شود تا جامعه منتظر در تربیت خویش بکوشد و صفات نیک و اخلاق حسنه را در سبک زندگی خود نهادینه کند؛ و از این رهگذر، زمینه‌های لازم برای خودسازی فردی و اجتماعی در جامعه منتظر به وجود خواهد آمد.

۳. ارائه الگوی سبک زندگی بر محور کمال خواهی

گرایش به کمال و حرکت در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی از جمله خواست‌های فطری، در انسان است. هر فردی با مراجعه به وجدان و درون خود درمی‌یابد که به فضیلت و کمال گرایش دارد و طالب آن است و هرکسی که دارای کمال و فضیلتی باشد محبوب اوست. «انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود» (همان: ج ۲۴، ۴۳۵). این گرایش موجب شده تا «زندگی بشر در آینده به عالی‌ترین و

کامل‌ترین زندگی‌ها منتهی شود» (همان: ج ۱۵، ۱۷۸). در اندیشه اسلامی وعده به ظهور امام مهدی علیه السلام برای تحقق چنین روزی است که درخشان‌ترین فصل زندگی بشریت در دنیا، در آن روز رقم خواهد خورد. بر طبق وعده خداوند در آن عصر مؤمنان و صالحین بر زمین حاکمیت می‌یابند (نور: ۵۵) و عصر شکوفایی در زمینه‌های مختلف معرفتی، عقلانی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود. از این جهت می‌توان گفت التزام و پایبندی جامعه منتظر به ویژگی‌های عصر ظهور و امکان الگوبرداری از آن عصر، از مؤلفه‌هایی چون: کمال‌خواهی، سعادت‌طلبی، تعالی‌فکری و روحی، تحکیم بنیان‌های تربیتی و اخلاقی و... موجب خواهد شد؛ این قبیل از آثار در سبک زندگی جامعه منتظر می‌تواند تأثیرگذار باشد باعث شود تا در سبک زندگی تحول به وجود آید و آمال و آرزوهای متعالی در مردم شکل گیرد؛ و بر رفتار و کنش مردم تأثیر گذارد و از این جهت است که گفته می‌شود مهدویت می‌تواند در ساحت زندگی دارای نقش و کارکرد باشد و الگوی مناسبی از سبک زندگی اسلامی را ارائه نماید.

گفتار سوم: مهدویت و التزام بینشی نسبت به امامت و الگوی سبک زندگی براساس آن

یکی دیگر از کارکردهای اندیشه مهدویت، التزام بینشی نسبت به امامت است. از دیدگاه امامیه، امامت منزلتی الهی است که افراد خاصی از جانب خداوند و به نصب او، انتخاب شده و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مردم معرفی شده‌اند که همه وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جز منصب نبوت و رسالت را دارا هستند. امامت نیز همچون نبوت مظهر صفت هدایتگری الهی است. زیرا احتیاج به هدایت و راهنمایی در میان بشریت نیازی دائمی و همیشگی است و مختص به عصر و دوران خاصی نیست. بنابراین وجود هادی و راهنما برای جامعه بشری همواره ضروری و لازم است؛ پس همان‌طور که لطف الهی و حکمت او اقتضا می‌کند تا افرادی را به عنوان رسول و پیامبر جهت هدایت انسان بفرستد، هم چنین لطف و حکمت او نیز اقتضا می‌کند تا افرادی را به عنوان جانشین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ دین و شریعت او به مردم معرفی نماید تا دین و دستورات دینی بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریف برای هدایت انسان باقی بماند.

بعد از آن که ثابت شد وجود امام برای جامعه ضروری است و خداوند از سر لطف و حکمت خویش هادیانی را برای جامعه نصب و تعیین کرده است در این صورت تعیین مصداق امام و خصوصیت و ویژگی آن به عهده دلیل نقلی گذاشته شده است. رسول

گرامی اسلام ﷺ متکفل این امر شده و تعداد امامان را با ذکر اسامی شان مطرح کرده‌اند، پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند:

ائمه بعد از من دوازده نفرند اولی آنها یا علی توهستی و آخرین شان هم قائم است که خداوند با دستان او مشارق و مغارب زمین را فتح می‌کند (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۲۸۲).

در تعیین مصداق، امام مهدی ﷺ به عنوان دوازدهمین و آخرین امام از فرزندان پیامبر ﷺ معرفی شده است. از رسول خدا ﷺ در این زمینه نقل شده:

المَهْدِي مِنْ عَشْرَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۶):
مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه ﷺ است.

به حکم عقل شناخت و معرفت امام دوازدهم لازم و ضروری می‌باشد. زیرا امام مهدی ﷺ امامی است که اطاعت و پیروی از او واجب است، و هرکس که اطاعتش واجب باشد باید صفات و ویژگی‌هایش را شناخت تا با شخص دیگری اشتباه نشود (موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸: ج ۲، ۱۶۶). به باور امامیه امامت در حال حاضر در شخص امام مهدی ﷺ متجلی است. با شناخت وی می‌توان تبیین درستی از امامت را به جامعه عرضه کرد. و بینش و باور جامعه نسبت به امام را متحول نمود و از این راه می‌توان به تعالی و تقویت فرهنگ اجتماعی در بعد بینشی کمک کرد. شناخت امام مهدی ﷺ در بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مردم تأثیر می‌گذارد و دارای آثار مختلف معرفتی، ارزشی، انگیزشی و رفتاری است. مهم‌ترین آثار شناخت امام که می‌تواند حوزه بینشی و باوری جامعه را تحت تأثیر خویش قرار دهد و سبک زندگی مطابق با آن را پیشنهاد دهد، عبارتند از:

۱. سبک زندگی متأثر از یاد امام

شناخت امام و باور به امامت، اعتقاد به حضور امام را در همه عرصه‌ها به دنبال دارد و به تبع آن سبک زندگی را با یاد او رقم می‌زند. وقتی معتقدین به امامت از چنین بینشی برخوردار شوند، قطعاً حضور امام را در همه عرصه‌ها و لحظه‌های زندگی احساس خواهد نمود، در این صورت زندگی برای او معنی و مفهومی قدسی پیدا می‌کند. جامعه‌ای که از چنین بینشی برخوردار باشد روابط مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را با شاخص و معیار الهی تنظیم می‌نماید.

۲. سبک زندگی بر پایه احساس نظارت دائمی امام در زندگی

احساس نظارت امام در زندگی یکی از آثار باور به امامت است. زیرا باور به ضرورت وجود امام و حجت الهی در جهان، موجب می‌گردد تا شخص معتقد به امام همواره او را بر زندگی خود حاضر ببیند و وی را ناظر بر احوال خود بداند. این حالت موجب می‌شود تا نظارت دائمی امام بر زندگی خود را احساس نماید و در نتیجه سبک زندگی منطبق با شکل خواهد گرفت.

۳. سبک زندگی بر پایه باور به هدایت باطنی امام

به باور امامیه، امامت مقامی است که علاوه بر هدایت ظاهری، از طریق هدایت باطنی و روحی و به صورت غیرمستقیم می‌تواند افراد مستعد را به کمال مطلوب برساند. علامه طباطبائی رحمته الله با تأکید بر این مطلب در این باره می‌نویسد:

هدایت امام در قرآن همه جا مقید به امر الهی است (بهدون بامرنا) یعنی امام هدایت‌کننده‌ای است با امری ملکوتی که در اختیار دارد هدایت می‌کند. پس امامت از نظر باطن یک نحوه ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد. هدایت امام یعنی دست خلق را گرفتن و به راه حق رساندن، قرآن کریم هدایت به امر خدا را ایجاد هدایت دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۷۲).

وی در تفسیر آیه: ﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ (انبیاء: ۷۳) می‌نویسد:

هدایت به امر، یک نوع تصرف تکوینی است که در نفوس مردم توسط امام صورت می‌گیرد که با آن تصرف، راه را برای بردن دل‌ها به سوی کمال و منتقل کردن آنها از موقفی به موقفی بالاتر را هموار می‌سازد و چون این تصرف تصرفی تکوینی و عملی باطنی است، ناگزیر مراد از امری که با آن هدایت صورت می‌گیرد ﴿يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا﴾ نیز امری تکوینی خواهد بود... (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۰۴).

گرچه امام زمان علیه السلام امر هدایت را چه مردم وی را بشناسند و چه نشناسند، به انجام می‌رساند، اما شناخت مردم از این ویژگی آن حضرت، موجب دلگرمی آنان در زندگی خواهد بود و انگیزه لازم را برای پذیرش هدایت امام در زندگی مردم فراهم خواهد آورد و مایه تطهیر نفوس و تهذیب اخلاق مردم خواهد شد و از این جهت سبک زندگی متأثر از آن را ارائه می‌دهد.

۴. سبک زندگی بر محور باور به شاهد دانستن امام بر اعمال مردم

یکی دیگر از آثار شناخت «امام و حجت الهی» ارائه الگوی سبک زندگی بر محور شاهد دانستن امام زمان علیه السلام بر اعمال است. این مطلب را می‌توان از روایاتی چند برداشت نمود. بر طبق برخی از روایات، رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به اذن الهی، شاهد بر اعمالند و اعمال مردم هر از چند گاهی بر آنها عرضه می‌شود و این در حقیقت بیان‌گر نوعی علم آنان به باطن امور و تصرف در عالم تکوین به شمار می‌آید. ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنُهَا وَسَيِّئُهَا (مسلم، ۱۴۰۷: ج ۳، ۱۶۹):
اعمال امت من، چه خویش و چه بدش بر من عرضه می‌گردد.

محمد بن فضیل می‌گوید امام رضا علیه السلام فرمود:

اعمال امت به حضرت رسول صلی الله علیه و آله در هر بامدادی عرضه می‌شود و در این باره خوبان و بدان هر چه انجام می‌دهند پیامبر صلی الله علیه و آله از آن آگاه می‌شود (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۴۲۶).

داود رقی می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود:

ای داود، اعمال شما در هر پنجشنبه‌ای بر من عرضه می‌شود. سپس در اعمال شما چیزی را دیدم که خوشحالم کرد و آن صله رحمی بود که نسبت به پسرعمویت انجام داده‌ای، داود رقی گفت پسرعمویی داشتم دشمن اهل بیت، شنیدم وضع مالی او خوب نیست قبل از رفتن به مکه مقداری پول برای او فرستادم وقتی به مدینه رسیدم حضرت صادق علیه السلام جریان را به من خبر داد (همان: ج ۱، ۴۲۹).

بی‌شک شناخت معصومین علیهم السلام و امام زمان علیه السلام با اوصاف یاد شده می‌تواند در چگونگی سبک زندگی مردم تأثیرگذار باشد و به ارتقای معنویت و تقویت ارزش‌های اخلاقی کمک نماید و الگوی مناسبی از سبک زندگی معنوی برپایه مهدویت را ارائه می‌دهد.

۵. الگوی سبک زندگی بر محور باور به نقش امام در تطهیر نفوس مردم

یکی دیگر از آثار مهم وجود امام زمان علیه السلام نقش او در تطهیر نفوس افراد است. در زیارت جامعه خطاب به ائمه علیهم السلام می‌گوئیم:

وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّباً لِحَلِّقِنَا وَطَهَارَةً لِنَنْفُسِنَا وَتَرْكِيبَةً لَنَا (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷۵):

ولایت شما موجب طهارت انفس و جان‌های ما می‌شود.

شناخت امام زمان علیه السلام با چنین خصوصیتی موجب خواهد شد تا در سلوک و رفتار مردم تغییر ایجاد شود و آن نیز مایه تحول در سبک زندگی خواهد بود.

بنابراین می‌توان گفت: التزام بینشی نسبت به امامت و تحکیم باور بدان و تقویت آن در سایه اندیشه مهدویت، موجب تحول در افراد می‌شود و آثار ویژه‌ای در دل و روان و سپس در عمل و رفتار آنان ایجاد می‌کند و به تبع آن سبک زندگی را تحت تأثیر خویش قرار می‌دهد و موجب پویایی و تعالی آن خواهد شد. این آثار را می‌توان به اعتبار باور به امامت امام مهدی علیه السلام مورد شناسایی قرار داد و در موارد ذیل خلاصه نمود: پذیرش استمرار وجود امام در جهان هستی، زندگی با یاد امام عصر علیه السلام، احساس نظارت دائمی امام عصر علیه السلام در زندگی، احساس حضور امام در میان مردم، پذیرش ولایت امام بر باطن افراد، محبت و عشق به امام عصر علیه السلام، ایجاد حالت انگیزشی قوی برای پیروی از امام عصر علیه السلام، محبت نسبت به دوستان و پیروان امام عصر علیه السلام، انجام دستورات امام در زندگی، ایجاد آمادگی در خود برای یاری امام عصر علیه السلام، الگوگیری از امام عصر علیه السلام، التزام مردم به آثار یاد شده موجب تحول در بینش جامعه و به تبع آن باعث تغییر در سبک زندگی خواهد بود؛ و از این جهت اندیشه مهدویت می‌تواند الگوی مناسبی از سبک زندگی بر محور بینش و باور را ارائه نماید و در این حوزه دارای نقش و کارکرد باشد.

بدیهی است مسئولیت منتظران نسبت به الگوهای ارائه شده برای سبک زندگی، از دیگران بیشتر است. زیرا لازمه انتظار، پیروی و اطاعت از امام زمان علیه السلام است و لازمه پیروی از آن حضرت، شناخت و معرفت نسبت به ایشان را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر معرفت امام می‌تواند فرد را در زمان غیبت از انحراف و ضلالت و گمراهی برهاند و مایه نجات او از گمراهی و سبب ترقی و کمال نفسانی انسان شود. به واسطه نقش و کارکرد شناخت امام در سبک زندگی، در روایات براهمیت شناخت امام تأکید بسیاری شده است. فضیل بن یسار می‌گوید از امام صادق علیه السلام در ارتباط با معنی آیه

﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ﴾ (اسراء: ۷۱) پرسیدم؛ امام در پاسخ فرمود:

ای فضیل امام خود را بشناس، زیرا اگر امام خود را بشناسی به توزیانی نمی‌رسد، و هرکس امامش را بشناسد، سپس پیش از آن که صاحب این امر قیام کند وفات یابد همانند کسی است که در سپاه آن حضرت نشسته باشد بلکه به منزله کسی است که

زیرپرچم او نشسته باشد؛ یا همچون کسی است که در رکاب رسول خدا ﷺ به شهادت رسیده باشد (کلینی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۳۷۱).

از این قبیل روایات به خوبی استفاده می‌شود که معرفت امام در عبودیت و بندگی خداوند و به دنبال آن در به دست آوردن فضایل و ارزش‌هایی که مایه تعالی سبک زندگی می‌شوند، نقش اساسی و تأثیرگذار دارد. پس می‌توان گفت: از طرفی باور به مهدویت کمک می‌کند تا همه معتقدان به امامت، شناخت صحیحی از امامت و امام مهدی علیه السلام پیدا کنند و حجت الهی را بشناسند. و از طرف دیگر امامت و ولایت امام زمان علیه السلام بانی است که مردم از راه آن می‌توانند به سبک زندگی مبتنی بر هدایت و کمال الهی را پیدا کنند و در سایه آن به عبودیت و بندگی خداوند بپردازند. با این وصف می‌توان گفت اندیشه مهدویت با تأکید بر تحکیم و تثبیت امامت، در بینش مردم تأثیر می‌گذارد و این امر به تعالی سبک زندگی مهدوی کمک خواهد نمود.

گفتار چهارم: مهدویت و باور به رهبری نواب عام در عصر غیبت و الگوی سبک زندگی بر اساس آن

وجود حکومت در جوامع انسانی از نیازهای اساسی بشریت است؛ نبود حکومت و نظام، موجب هرج و مرج و ناامنی در جامعه می‌شود و در چنین وضعیتی زندگی برای همگان تلخ و ناگوار خواهد بود. با توجه به این مهم، امام امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از سخنان خویش ضرورت وجود نظام و حکومت برای اجتماع را چنین ترسیم می‌کند:

مردم به امیر و زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در سایه استقرار حکومت زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت‌المال جمع‌آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد، جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان خواهند بود (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۸۲).

این امر در اسلام مورد تأکید قرار داده شده و برای عصر غیبت موضوع نیابت عام فقها و عالمان از امام زمان علیه السلام مطرح شده است. یعنی نیاز جامعه عصر غیبت به رهبر و پیشوای عادل، موجب گردیده تا در دروه غیبت کبری، نیابت از امام زمان علیه السلام توسط نواب عام آن حضرت صورت می‌گیرد. یعنی تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر ایده ولایت فقیه در عصر غیبت، از نظر اعتقادی ناشی از باور به نیابت عام فقهای جامع‌الشرایط از

امام زمان علیه السلام است. براساس این باور در عصر غیبت، هدایت جامعه به دست فردی است که باید عالم به مسائل، شجاع، سیاست مدار، دیندار، اهل ورع و تقوا و از پیروی هوای نفس مصون باشد. به این ویژگی ها در روایات نیز تصریح شده است. بر طبق روایتی از امام عسکری علیه السلام ویژگی هایی چند برای نواب عام بر شمرده شده است؛ آن حضرت در این زمینه می فرماید:

هر فردی از فقها که بر نفس خود تسلط دارد و بردینش نگهبان باشد، و با هوای نفس خود مخالفت کند، و مطیع فرمان خدای خویش باشد، بر مردم لازم است که از او تقلید کنند... (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۵۸).

با عنایت به این مطلب علمای امامیه بر لزوم نیابت فقها از امام زمان علیه السلام تأکید کرده اند. ابوالصلاح حلبی می نویسد:

در واقع فقیه نائب امام عصر علیه السلام در حکومت است و اهلیت آن را دارد (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۲۳).

محقق اردبیلی با تأکید بر نقش فقیه در عصر غیبت، می گوید:

فقیه در همه امور نائب امام زمان علیه السلام است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۹، ۲۳۲).

حاج آقا رضا همدانی نیز با تأکید بر این مطلب در این زمینه می گوید:

اشکالی در نیابت مجتهد جامع الشرایط از امام زمان علیه السلام در زمان غیبت آن حضرت نیست (همدانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۱۳).

بنابراین در نظام سیاسی برآمده از اندیشه مهدویت، فقیه جامع الشرایط نائب امام زمان علیه السلام است و ولایت و حکومت با آنان خواهد بود. با حاکمیت فقیه جامع الشرایط و پذیرش ولایت آنان توسط مردم، ارزش های الهی در زندگی حاکمیت پیدا خواهند نمود و در مردم رشد و ترقی و تعالی معنوی به وجود خواهند آورد و از این راه می توانند به تعالی فرهنگ دینی در مردم و تحول در سبک زندگی کمک نمایند. کارکرد اصلی این باور برآمده از مهدویت، ارائه الگوی سبک زندگی ولایت پذیر است. بر طبق این الگو مردم با پذیرش ولایت فقیه جامع الشرایط، خود را ملزم به رعایت احکام و تعالیم دینی و رعایت حدود شرعی خواهند کرد و درصدد بر خواهند آمد تا در سبک زندگی خود تغییراتی را ایجاد کنند و سمت و سوی مسیر زندگی را با رعایت ولایت پذیری مشخص و معین کنند و با رعایت این الگو به تعالی مادی و معنوی دست خواهند یافت.

گفتار پنجم: مهدویت و تحکیم باورهای دینی و الگوی سبک زندگی مصون از انحراف

با توجه به جایگاه باور به مهدویت در اندیشه شیعی و آثاری که بر آن مترتب می‌شود، این اندیشه را به حق در نظر مردم خطیر و مهم جلوه داده، لذا مردم پاسخگویی به بسیاری از نیازهای فکری و فرهنگی خود را از آن درخواست می‌کنند. این مطلب را می‌توان یکی از عوامل مهم گرایش جامعه به مباحث مهدویت برشمرد. زیرا این باور می‌تواند با راهکارهای لازم، پاسخ درخوری از نیازهای بینشی و فکری را به جامعه عرضه کند و از این جهت می‌تواند به تحکیم باورهای دینی و تعالی فرهنگ دینی در بُعد بینشی کمک نماید؛ و در نهایت الگوی سبک زندگی اسلامی مبتنی بر صیانت از انحراف را پیشنهاد نماید. بنابراین صیانت از انحراف را می‌توان یکی دیگر از کارکردهای بینشی باور به مهدویت برای ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی برشمرد. صیانت از انحراف و پاسخگویی مهدویت در عرصه‌های مختلف فکری و بینشی، از چند جهت برای سبک زندگی اسلامی مهم و دارای اهمیت است:

۱. به لحاظ سست شدن ایمان از زندگی مردم در آستانه ظهور

روایاتی که در قالب ملاحم و فتن، وضعیت جهان و جامعه آستانه ظهور را ترسیم نموده‌اند، حکایت از سست شدن ایمان و عقیده مردم دارند. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده در آن عصر دین مردم دچار نقصان خواهد شد و دیگر کسی «لا اله الا الله» نمی‌گوید، و بعضی از مردم دیگران را از بردن نام خدا باز خواهند داشت (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۶۸). و در برخی دیگر از روایات به کافر شدن خیل عظیمی از مردم اشاره شده است (همان: ۵۰). فقدان معرفت فکری کافی نسبت به اصول و مبانی دین، یکی از عوامل مهم و اساسی در ضعف ایمان و سستی عقیده معرفی شده است. از طرفی منتظران و معتقدان به حضرت ولی عصر علیه السلام لزوماً باید انسان‌های موحد و با ایمان باشند. پرورش این چنین افراد موحد نیازمند تربیت آنان در حوزه‌های مختلف فکری فرهنگی و سیاسی و اجتماعی است. یکی از این حوزه‌های مهم تربیت عقلانی و معرفتی و تحکیم مبانی بینشی آنان است. چون بدون خردورزی و تربیت معرفتی و فکری نمی‌توان ایمان و اعتقاد صحیحی داشت. پس در درجه اول لازم و ضروری است همه نهادهای مسئول از خانواده و مدرسه و دانشگاه و... به تربیت معرفتی منتظران توجه ویژه

داشته باشند و در ساحت ارتقای بینش منتظران ایفای نقش نمایند. از طرفی براساس رویکرد شیعه امامیه، مهدویت آئینه تمام‌نمای اسلام است. بنابراین از ظرفیت‌های لازم برای هدایت مردم برخوردار است و می‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف فکری و فرهنگی آنان باشد و سبک زندگی منطبق با آن را رقم بزند.

۲. به لحاظ فراگیر شدن فتنه‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در روایات ملاحم و فتن به آن اشاره شده این است که جامعه در آستانه ظهور، دچار فتنه‌ها و گمراهی‌های فراوانی می‌شود. گستردگی آن در حدی است که همه جا را در می‌نورد و وارد همه خانه‌ها می‌شود. در روایتی آمده خانه‌هایی نیست مگر این که فتنه در آن نفوذ می‌کند (همان: ۵۱). بسیاری از افراد که فتنه در آنها اثر می‌گذارد و عامل فتنه قرار می‌گیرند اصولاً از سطح فکری و بینشی قابل قبولی برخوردار نیستند و درک سیاسی و اجتماعی مطلوبی ندارند. با توجه به این نکته، در سخنی که از امام علی علیه السلام نقل شده بین انجام معصیت و سفاهت ملازمه برقرار نموده است؛ آن حضرت می‌فرماید:

فَلَعَنَ اللَّهُ الشُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَالْخُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي... (شریف رضی، ۲۹۸)؛
خداوند سفیهان را به خاطر ارتکاب معاصی و عاقلان را به خاطر عدم نهی از منکر، لعنت می‌کند.

بنابراین می‌توان گفت هرچه سفاهت و ناآگاهی بیشتر باشد به همان میزان انحراف نیز افزایش می‌یابد و زمینه برای فتنه‌جویان نیز بیشتر فراهم می‌شود. زیرا با عدم آگاهی و معرفت کافی، افراد از تشخیص حق از باطل، دچار مشکل می‌شوند و در نتیجه زمینه برای انحراف نیز به وجود می‌آید. با این وصف می‌توان گفت تقویت مبانی فکری و معرفتی عامل مهمی در پیشگیری از افتادن در دام فتنه‌گران به شمار می‌رود. با عنایت به این مهم لازم است سبک زندگی مردم در عصر غیبت به گونه‌ای تنظیم شود که زمینه‌های مورد نیاز برای تربیت یاران و منتظران فراهم آید؛ (الگوی سبک زندگی منتظرانه) و در این رابطه لازم است به نیازهای فکری و باورهای آنان توجه ویژه شود یعنی علاوه بر تأمین نیازهای مادی، لازم است به نیازهای فکری و بینشی مردم نیز توجه شود؛ و سبک زندگی به گونه‌ای سامان یابد که به نیازهای مادی و فکری و معنوی به صورت توأمان توجه شود.

۳. به لحاظ هجوم انحرافات به جامعه

یکی دیگر از ویژگی های جوامع در آستانه ظهور، هجوم انواع کجی ها و انحرافات به آن است. روایاتی که بیانگر وضعیت فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، دینی و معنوی جوامع در آستانه ظهورند به این واقعیت اشاره نموده اند. بر طبق روایتی، فردی از امام باقر علیه السلام از زمان ظهور قائم علیه السلام می پرسد امام در پاسخ این پرسش، آمدن قائم علیه السلام را به فراگیری برخی از انحرافات اخلاقی گره می زند و به چند انحراف مهم در این زمینه اشاره می کند، مانند: ارتکاب زنا، اکل ربا، شباهت مردان به زنان و بالعکس و... (صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ۳۳۱). از طرفی یاران امام عصر علیه السلام و منتظران ظهور در همین جوامع تربیت می شوند. به نظر می رسد در چنین وضعیت بحرانی لازم است نهادهای مختلف تربیتی و آموزشی از خانواده گرفته تا مدرسه و دانشگاه با توجه به پتانسیل موجود در اندیشه مهدویت، افراد را در زمینه های مختلف فکری و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آماده کنند و با تدابیر درست و صحیح خویش، زندگی را به گونه ای سامان دهند که بتواند یاران و منتظران واقعی را تربیت نماید؛ و در این زمینه اگر افراد از نظربینش و معرفت از رشد کافی برخوردار شوند، ایمان به مبدأ و معاد در آنها رسوخ و نفوذ بیشتری پیدا می کند و راه انحراف بر آنان بسته خواهد شد. بنابراین با عنایت به این نکته می توان الگوی سبک زندگی بر محور بینش های مهدوی را ارائه نمود.

۴. به لحاظ استبعاد در امر امامت

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ضرورت تقویت باورهای دینی و معرفتی منتظران، تقویت باور به امامت است؛ زیرا تزلزل در شناخت امام یکی از ویژگی های مردم در آستانه ظهور است. ریشه اصلی این اشتباه نا آگاهی و کم اطلاعی و عدم معرفت درست نسبت به امامت است. بدخواهان و سوء استفاده گران از این روحیه مردم در طول تاریخ سوء استفاده های بسیاری می نمایند و در موارد زیادی خود را به عنوان امام و یا جانشین وی معرفی می کنند و برخی از افراد را با خود همراه می نمایند و با تأسیس فرق و مذاهب ساختگی در صفوف متحد امت اسلامی تفرقه و شکاف هایی را به وجود می آورند. معرفت فکری و ارتقای سطح بینش جامعه، مهم ترین عاملی است که می تواند در برابر جریانات انحرافی بایستد و با آن مبارزه نماید. بنابراین لازم است سبک زندگی به گونه ای

تنظیم شود که تقویت باورهای دینی و فکری معتقدان به امام مهدی علیه السلام را در پی داشته باشد.

۵. به لحاظ حیرتی که ممکن است مردم در عصر غیبت بدان مبتلا شوند

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ضرورت تقویت باورهای دینی و معرفتی منتظران جلوگیری از افتادن مردم در حیرت و ضلالت است؛ مهم‌ترین عامل برای حیران شدن مردم، عدم فهم درست از ویژگی‌های عصر غیبت و امامت و رهبری است. در روایتی از امام علی علیه السلام به این مطلب اشاره شده که برخی از مردم در عصر غیبت دچار حیرت و گمراهی می‌شوند و از مسیر درست زندگی منحرف می‌گردند. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

نوشیدن از جام فنا فقط مخصوص

تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ... (نعمانی، ۱۴۲۲: ۶۱)؛

... پس از غیبت (قائم) وضعی پیش می‌آید که به جز دوستان مخلص ما و مؤمنین پاک سرشت که نورایمان و محبت ما در لوح دل‌شان نقش بسته، کسی در عقیده دینی خود ثابت نمی‌ماند....

مهم‌ترین عاملی که موجب می‌شود تا مردم از حیرت و سرگردانی نجات یابند و در راه هدایت ثابت قدم بمانند، بالا رفتن سطح بینش دینی و آگاهی و معرفت‌شان نسبت به مسئله امامت و مهدویت است. بنیان‌های اصلی این نوع از تربیت در خانواده ریخته می‌شود زمانی که والدین خودشان از سطح فکری بالایی نسبت به امامت برخوردار باشند و در سبک زندگی‌شان امامت و مهدویت از جایگاه رفیعی برخوردار باشد، طبعاً در فرزندان و نوآموزان نیز تأثیرگذار است و بنیان‌های فکری و معرفتی آنان را تقویت می‌کند و از حیرت و ضلالت نگاه‌شان می‌دارد. بنابراین صیانت از انحراف و پرهیز دادن جامعه از برداشت‌های انحرافی در امر امامت و رهبری و پاسخگویی به شبهات مرتبط با آن موجب می‌شود بُعد بینشی سبک زندگی را متحول گرداند و مایه تعالی و تقویت آن شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مدل سبک زندگی بر محور باورها و بینش‌های مهدوی مورد بررسی قرار داد شد. مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق عبارتند از:

۱. باور به هدفمندی تاریخ یکی از مؤلفه‌های مهمی است که در ذات و بطن اندیشه

مهدویت وجود دارد. بر طبق این باور می‌توان الگوی سبک زندگی را براساس آن تنظیم نمود و با نگاه به جلوانگیزه لازم را در افراد به وجود آورد.

۲. باور به هدفمندی تاریخ موجب می‌شود تا باور به آینده روشن به وجود آید و از این جهت با تقویت امید به آینده می‌تواند الگوی سبک زندگی بر محور حق‌خواهی، امیدواری به آینده و کمال‌خواهی و... را پیشنهاد دهد.

۳. تحکیم باور به امامت و التزام بینشی نسبت به آن یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که باور به مهدویت می‌تواند بر آن تأکید کند و الگوی سبک زندگی بر محور: تحکیم یاد امام، تقویت احساس نظارت دائمی امام در زندگی، باور به هدایت باطنی امام؛ باور به شاهد دانستن امام بر اعمال مردم و باور به نقش امام در تطهیر نفوس مردم را ارائه می‌دهد.

۴. التزام بینشی به رهبری نواب عام در عصر غیبت یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که باور به مهدویت آن را برای الگوی سبک زندگی ارائه می‌دهد.

۵. مصون‌بخشی جامعه از انحرافات در حوزه‌های مختلف فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یکی دیگر از التزامات بینشی مهدویت محسوب می‌شود که می‌تواند در ارائه الگوی سبک زندگی دارای تأثیر باشد؛ این مسئله از چند جهت در سبک زندگی مهم است. جهاتی چون: سست شدن ایمان از زندگی مردم در آستانه ظهور، فراگیر شدن فتنه‌ها در ایام غیبت، هجوم انحرافات به جامعه در عصر غیبت، استبعاد در امر امامت و برداشت ناروا از آن و حیرتی که ممکن است مردم در عصر غیبت بدان مبتلا شوند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹ش)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عین اخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان، اول.

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم.

۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، التشریف بالمنن فی تعریف الفتن، قم، بی‌نا،

- اول.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة والبرهان*، قم، انتشارات اسلامی،
- اول.
۶. حجاج نیشابوری، مسلم بن (۱۴۰۴ق)، *صحیح مسلم*، بیروت، مؤسسه عزالدین،
- دوم.
۷. حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳ق)، *الکافی فی الفقه*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام،
- اول.
۸. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ق)، *بحث حول المهدی*، بیروت، مرکز الغدیر للدراسات
- الاسلامیه، دوم.
۹. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم، مکتبه
- آیت الله مرعشی، دوم.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۰ش)، *ظهور شیعه به ضمیمه: مصاحبه پرفسور هانری*
- کرین، قم، فقیه.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات
- اسلامی، پنجم.
۱۲. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی،
- اول.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الإسلامیه، اول.
۱۴. عظیمی، کاظم (۱۳۸۹)، «درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن»، *دین و*
- ارتباطات*، شماره ۳۷.
۱۵. کارگر، رحیم (۱۳۸۴)، «فلسفه نظری تاریخ و دکترین مهدویت»، *انتظار موعود*،
- شماره ۱۷.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سوم.
۱۷. موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، *مکیال المکارم*، قم، مؤسسه الامام
- المهدی علیه السلام، پنجم.
۱۸. نظری، عبدالله (۱۳۹۰)، «انسجام اجتماعی از منظر قرآن کریم»، *دوفصل نامه*
- پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم*، شماره ۵، سال دوم.

۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الغیة، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انوار الهدی، اول.
۲۰. همدانی، آقا رضا (۱۴۱۶ق)، مصباح الفقیه، قم، مؤسسة الجعفریه، اول.